

باسمه تعالی

- ۲ بحث اجزاء
- ۲ جواز تبدیل امتثال
- ۲ بررسی مفاد روایات دال بر جواز تبدیل امتثال
- ۲ طایفه اول: امر به اعاده نماز بعد از اتیان فردی از مأموریه
- ۲ ناظر به امر ثانی بودن روایات طایفه اول
- ۳ از باب تبدیل امتثال بودن امر به اعاده
- ۳ طایفه دوم: امر به اعاده و اختیار احبهما
- ۳ اشکال سندی: ضعیف بودن سهل و مرسله نقل کردن مرحوم صدوق و رد آن
- ۳ اشکال اول دلالتی: در مقام اجر و ثواب بودن روایت طایفه دوم
- ۴ جواب: خلاف ظاهر بودن اشکال اول دلالتی
- ۴ اشکال دوم دلالتی: از باب هدر امتثال بودن روایات طایفه دوم
- ۴ جواب: خلاف ظاهر بودن اشکال دوم دلالتی
- ۴ طایفه سوم: امر به اعاده نماز و قرار دادن آن به عنوان فریضه
- ۵ اشکال دلالتی اول: ناظر بودن روایات طایفه سوم به اثناء عمل
- ۵ جواب: شمول روایت نسبت به فارغ شدن از عمل اول
- ۵ اشکال دلالتی دوم: ناظر بودن روایت به فریضه دیگر
- ۵ جواب اشکال دلالتی دوم: ناظر بودن روایت به راه حل دیگر برای اقامه نماز جماعت
- ۵ اشکال سوم دلالتی: عنوان مشیر بودن يجعلها الفریضه
- ۶ جواز تعدی تبدیل امتثال و عدم جواز آن از موارد منصوصه به غیر منصوصه

موضوع: بررسی مفاد روایات / جواز تبدیل امتثال / بحث اجزاء

خلاصه مباحث گذشته:

بحث در مورد جواز تبدیل امتثال بود. مرحوم اصفهانی و مرحوم خویی و شهید صدر قائل به استحاله تبدیل امتثال شده بودند. اما مرحوم آخوند و استاد قائل به جواز تبدیل امتثال شدند. نکته ای که استاد در راستای کلام مرحوم آخوند فرمودند این بود که تقریب جواز تبدیل امتثال به وجود غرض ادنی و اقصی در موالی عرفیه خوب است اما در شرعیات موهوم است. علاوه بر این، منوط کردن جواز تبدیل امتثال به وجود غرض ادنی و اقصی صحیح نیست. بعد از این مطالب، استاد وارد بحث از مفاد روایات شدند.

بحث اجزاء

جواز تبدیل امتثال

بررسی مفاد روایات دال بر جواز تبدیل امتثال

بحث در مورد روایاتی بود که مرحوم آخوند^۱ به آن روایات استدلال کرده بود که بعضی از آنها دلالت بر جواز تبدیل امتثال دلالت دارند. روایات سه طایفه هستند.

طایفه اول: امر به اعاده نماز بعد از اتیان مامور به

بعضی از روایات این گونه وارد شده است که بعد از اتیان مامور به، امر به اتیان فرد دیگر کرده است. در باب نماز جماعت و نماز آیات قبل از اتمام آیه و نماز شب که مقدم بر نصف شب شده است، نسبت به ثلث لیل امر، به اعاده شده است. یا امر به امامت نماز جماعت شده است. کسی یک بار نماز فردی خوانده است و گروهی جمع شده اند که نماز جماعت بخوانند. در این صورت امر به امامت نماز جماعت برای کسی که نماز فرادی شده است.

ناظر به امر ثانی بودن روایات طایفه اول

کسانی که منکر جواز تبدیل امتثال هستند از طایفه این گونه جواب داده اند که ظاهر آنها امر به تکرار عمل به صورت استحبابی است و از مصادیق مساله مره و تکرار است. یعنی یک امر وجوبی را در ضمن فعلی اتیان کرده است بعد یک امر استحبابی دارد که اعاده کند مانند بحث حج که در سال اول واجب است و در سال دوم و سوم مستحب است. در مثل نماز شب هم امر استحبابی قبل از نصف شب داشته است و بعد از نصف شب نیز مشککش برطرف شده است امر ثانی به استحباب نماز شب وارد شده است. پس مفاد آنها این است که امر ثانی به مامور به جدید در شرعیت واقع شده است و ناظر به امتثال امر دوم است. اما بحث ما در مورد این است که یک امر وجود دارد و یک فرد نیز مصداق مامور به اتیان شده است بعد یک اتیانی دیگر شود که مسقط همان امر اول باشد

^۱ کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج ۱، ص ۸۳.

از باب تبدیل امتثال بودن امر به اعاده

به نظر ما نسبت به روایاتی که در رابطه با تکرار نماز آیات آمده است، درست است. اولی واجب است دومی مستحب است. اما نسبت به نماز معاده و امام شدن و اعاده نماز شب، حمل منکرین خلاف ظاهر است. ظاهر این روایات این است که همان عملی را که انجام داده ای همان را باز هم امتثال کن. موید این مطلب این است که در ارتکاز ما این است که وقتی گفته می شود نماز شب را اعاده کن یعنی بجای امتثال اول باز هم اعاده کن. نه این عدد آن در حق این مکلف اضافه شده باشد. یا وقتی گفته می شود نماز ظهر را اعاده کن، یعنی همان اولی را تبدیل کن.

طایفه دوم: امر به اعاده و اختیار احبهما

این طایفه، تنها یک روایت دارد که از سهل بن زیاد وارد شده است.^۱ در این روایت قید ان الله یختار احبهما دارد مفاد روایت این است که احب در مقام امتثال اختیار می کند. ظاهر این حدیث جواز تبدیل امتثال است. این روایت نزد مرحوم آخوند مهم بوده است که و این روایت را مطرح می کند. اگر مولا به عبدش گفت برو آب بیاور و عبد هم آب آورد بعد شخص ثالثی گفت یک آب دیگر نیز بیاور، مولا هر کدام را خواست انتخاب می کند. در این جا هر دو امتثال مصداق یک مأموریه است.

اشکال سندی: ضعیف بودن سهل و مرسله نقل کردن مرحوم صدوق و رد آن

اما بعضی گفته اند که این روایت اشکال سندی دارد. زیرا مرحوم کلینی که این روایت را با سند این روایت را با سند ذکر کرده است و مرحوم خویی گفته است که الامر فی سهل صعب و مرحوم صدوق که این روایت را ذکر کرده است بدون سند است و مراسلات صدوق قابل استدلال نیست. ولی به نظر ما سهل اشکالی ندارد. پس علی المبنا سند تمام است.

اشکال اول دلالتی: در مقام اجر و ثواب بودن روایت طایفه دوم

مفاد این روایت (ان الله یختار احبهما) این است که در مقام اجر و ثواب، عملی که ثواب بیشتری دارد آن را انتخاب می کند. یعنی امتثال اول، مسقط امر است و امتثال دوم فقط مشروع است و مصداق مأموریه واجب نیست. اما خداوند در مقام اجر دادن، عملی که اجر بیشتری دارد، انتخاب می کند.

^۱ عَلِيُّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ أَصْلَى ثُمَّ ادْخُلُ الْمَسْجِدَ فَنَقَامُ الصَّلَاةَ وَ قَدْ صَلَّيْتُ فَقَالَ صَلَّ مَعَهُمْ يَخْتَارُ اللَّهُ أَحَبَّهُمَا إِلَيْهِ. کافی ج ۱ ص ۳۷۹

جواب: خلاف ظاهر بودن اشکال اول دلالتی

این توجیه خیلی خلاف ظاهر است. اگر بنا باشد که دو امر وجود داشته باشد یکی وجوبی و دیگری استحبابی، اختیار احبهما معنا ندارد زیرا باید دو امتثال و دو ثواب داشته باشد، در حالی که این گونه نیست و یکی از آنها امتثال است. ان قلت: این عبارت (ان الله يختار احبهما) کنایه از این است که خداوند، احبش همان اولی است و دومی صوری است مثلاً تقیه ای است.

قلت: خلاف ظاهر است. روایاتی وجود دارد که ترغیب به نماز خواندن با اهل سنت دارد. شاید مراد از این روایات این باشد که خداوند نماز دومی را قبول می‌کند. اگر قبول نماز دوم باشد، نص در جواز تبدیل امتثال می‌شود.

اشکال دوم دلالتی: از باب هدر امتثال بودن روایات طایفه دوم

شهید صدر می‌فرماید: این تعبیر (ان الله يختار احبهما) از باب هدر امتثال است. یعنی طبیعت نماز که واجب شده است مشروط به شرط متاخری است که افضل الافراد اتیان نشده باشد. اگر افضل افراد اتیان شد دیگر امتثال اول واجب نیست. پس اگر دومی افضل باشد کشف می‌شود که از اول فرد اول وجود نداشته است و امر بر اولی منطبق نمی‌شود. پس چون وجوب طبیعت نماز به شرط عدم اتیان فرد افضل است در این جا که فرد افضل اتیان شده است اولی هدر می‌شود و در هدر امتثال همه قبول دارند که دومی مصداق مأموریه است. مشکل این است که امتثال اول، مصداق مأموریه است و ما می‌خواهیم آن را جایگزین کنیم.

جواب: خلاف ظاهر بودن اشکال دوم دلالتی

به نظر ما این مطالب قطعی البطلان است. این که طبیعت نماز به شرط عدم اتیان فرد افضل باشد، درست نیست. مفاد ادله این است که طبیعت نماز واجب است. اگر ما تبدیل امتثال را محال دانستیم توجه اول متعین است و این توجیه صحیح نیست.

طایفه سوم: امر به اعاده نماز و قرار دادن آن به عنوان فریضه

مفاد این روایات این است که هم امر به اعاده دارد و هم يجعلها الفریضه دارد. «فِي الرَّجُلِ يُصَلِّي الصَّلَاةَ وَحْدَهُ ثُمَّ يَجِدُ جَمَاعَةً قَالَ يُصَلِّي مَعَهُمْ وَ يَجْعَلُهَا الْفَرِيضَةَ»^۲

۱ بحوث فی علم الأصول، السید محمد باقر الصدر، ج ۲، ص ۱۳۱.

۲ الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج ۱، ص ۳۷۹.

ظاهر این تعبیر این است که این عمل را همان نماز واجب قرار دهد. اگر می‌تواند که نماز واجب قرار بدهد همان واجب قرار بدهد. این مطلب فقط با جواز تبدیل امتثال سازگار است.

اشکال دلالتی اول: ناظر بودن روایات طایفه سوم به اثناء عمل

مرحوم شیخ طوسی جواب داده است که مفاد این روایت در رابطه با اثناء عمل است. مثلاً مکلف نماز را به صورت فردی اقامه کرد و در اثناء نماز، نماز جماعت برپا شد. روایت می‌گوید نماز فردی را قطع کن یا سر دو رکعتی نیت نماز نافله کن علی‌ای حال نماز فردی را تمام نمی‌کند. در این صورت نماز را فریضه قرار می‌دهد.

جواب: شمول روایت نسبت به فارغ شدن از عمل اول

این حمل خیلی خلاف ظاهر است. ظاهر این روایت این است که (اگر نگوییم نص در این مطلب است) مکلف فارغ از امتثال اول شده است. در ارتکاز شیخ طوسی این بوده است که یصلی وحده یعنی در اثناء نماز بوده است. اگر مراد اثناء صلات بود این تذکر لازم بود که باید نماز را قطع کند یا عدول به نافله کند. این که این تذکر را نداده است کشف می‌شود که اطلاق این روایت (اگر نگوییم که قدر متیقن آن این است) جایی را شامل می‌شود که از عمل اول فارغ شده است

اشکال دلالتی دوم: ناظر بودن روایت به فریضه دیگر

منظور همان فریضه‌ای که قبلاً خوانده است، نیست بلکه مراد فریضه دیگری است. مثلاً آن را نماز قضاء به حساب بشمارد. در روایت اسحاق نیز به این جواب مطرح شده است. پس این تعبیر (یجعلها الفریضه) را حمل بر فریضه‌ای که فوت شده است، کرده اند

جواب اشکال دلالتی دوم: ناظر بودن روایت به راه حل دیگر برای اقامه نماز جماعت

به اشکال دوم این گونه جواب داده می‌شود که روایت استحقاق راه دیگری برای تبدیل امتثال می‌فرماید. خصوصاً روایات طایفه اول هم راه دیگری مطرح کرده است یعنی همان نماز را بخوان.

اشکال سوم دلالتی: عنوان مشیر بودن یجعلها الفریضه

مطلبی که شاید گفتنی تر باشد این است که این تعبیر (یجعلها الفریضه) عنوان مشیر است. نه این که بما هی فریضه باشد. یعنی مثلاً همان ظهر قرار بدهد و قضاء قرار ندهد و نماز دیگری قرار ندهد. الفریضه عنوان مشیر به همان اتیان فرد اول است مثلاً

نماز ظهر بوده است. معنای روایت این می‌شود: مستحب است که اتیان دوم را نماز ظهر قرار بدهد. پس یک امر استحبابی به اعاده نماز ظهر دارد. یعنی نماز دیگر قرار ندهد.

اگر کسی قائل به استحاله تبدیل امتثال شد، این توجیه گفتنی است. اما اگر کسی گفت تبدیل امتثال جایز است، عنوان مشیر خلاف ظاهر است. ظاهر هر عنوانی این است که مشیر بودن خلاف ظاهر است. مراد از روایت این است که همان عمل دوم را به عنوان فریضه به جا بیاورد.

خلاصه کلام این است اگر کسی بگوید هیچ کدام از این روایات ظهور در تبدیل امتثال ندارد، خلاف ظاهر است. اما اگر ظهور در جواز تبدیل امتثال قبول کرد (مانند مرحوم خوبی که فی الجمله قبول کرده است) ولی به خاطر استحاله بگوید باید حمل بشود، اقرب آن حمل‌ها در طایفه اول استحباب و طایفه دوم احبیت اجر و طایفه سوم عنوان مشیر بودن است.

جواز تعدی تبدیل امتثال و عدم جواز آن از موارد منصوصه به غیر منصوصه

اگر کسی قائل به جواز تبدیل امتثال شد آیا باید اقتصار به جایی بکند که نص وجود دارد یا تعدی می‌توان کرد؟ شبهه این است که اختیار مولا اثر دارد و اختیار مولا دست ما نیست جایی که خودش فرموده است که خوب است اما در موارد دیگر شاید جا برای تبدیل امتثال نباشد چون مولا انتخابی ندارد.

به نظر ما فی الجمله می‌توان تعدی کرد. بعید نیست که مفاد روایت خصوصیت نداشتن تکرار نماز فردی به جماعت باشد. زیرا ظاهراً تعبیر به این که خداوند احب آنها را انتخاب می‌کند، به منزله تعلیل است و متفاهم عرفی این است که هر گاه واجب من را اتیان کردی بعد فرد افضلی در کار بود، می‌توانید فرد افضل را اتیان کرد. خداوند احب آنها را اختیار می‌کند. مثلاً نماز در منزل خوانده شده است و بعد به مسجد الحرام وارد شدیم، بعید نیست که جواز تبدیل امتثال نیز در این جا جاری باشد. پس بعید نیست که جواز تبدیل امتثال را در هر جایی که فرد افضلی در کار باشد جاری بدانیم.